

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





باشکر و تقدیر

از دانش آموزان پایه یازدهم ریاضی و انسانی

دیرستان نمونه دولتی مهدیه

که خالصانه در تایپ این جزوه

با مدیریت و طراحی کرافیک متن و صفحه آرایی

حسانوروزی بخت

مارایاری نمودند



دیر مربوطه: مرضیه نوبهار

قواعد دروس عربى پايه يازدهم  
تجربى و رياضى

الدرس الأول ..... ٣

إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ

الدرس الثاني ..... ١٥

أُسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ

الدرس الثالث ..... ١٤

الْمَعْرِفَةُ وَ النِّكَرَةُ

الدرس الرابع ..... ١٧

الْجُمْلَةُ بَعْدَ النِّكَرَةِ

الدرس الخامس ..... ١٩

تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (١)

الدرس السادس ..... ٢١

تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (٢)

الدرس السابع ..... ٢٤

مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ

## الدَّرْسُ الْأَوَّلُ = اِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اِسْمُ الْمَكَانِ

### اسم التفضيل:

کلمه تفضیل بر وزن تفعیل مصدر باب تفعیل و از ریشه فُضِلَ به معنی برتری دادن است.

**تعریف اسم تفضیل:** هرگاه بخواهیم دو شخص یا دو شیء را با هم مقایسه کنیم و برتری یکی را بر دیگری بیان کنیم از اسم تفضیل استفاده می کنیم.

**مثال:** (فاطمه از زهرا بزرگتر است) یا (این درخت از آن درخت کوچکتر است)

در جمله ی اول کلمه ی بزرگتر اسم تفضیل است.

در جمله ی دوم کلمه ی کوچکتر اسم تفضیل است.

### طریقه ساختن اسم تفضیل:

اسم تفضیل از ریشه سه حرفی فعل ها گرفته می شود بدین صورت که:

در مذکر ← ریشه سه حرفی را بر وزن أَفْعَل می بریم مانند (كَبُرًا كَبْرًا)، (صَغَرًا صَغَرًا)، (حَسَنًا أَحْسَنًا)

در مؤنث ← ریشه سه حرفی را بر وزن فُعَلَى می بریم مانند (كَبْرًا كَبْرًا)، (صَغْرًا صَغْرًا)، (حَسْنًا أَحْسَنًا)

**نکته ۱=** درست است که در اسم تفضیل وزن مذکر با وزن مونث با هم متفاوت است اما در مقایسه دو اسم مونث هم می توانیم از وزن "مذکر" یعنی وزن "**أَفْعَل**" استفاده کنیم.

### به مثال زیر توجه کنید

فاطمه **أكبر** من زهراء: فاطمه از زهرا بزرگتر است

فاطمه **كبرى** من زهراء: فاطمه از زهرا بزرگ تر است

البته دقت کنیم در صورتی که بخواهیم برای یک اسم مونث فقط صفت تفضیلی بیاوریم باید حتما از اسم تفضیل مونث استفاده کنیم اما در مقایسه کردن آنها می توان از وزن مذکر هم استفاده کرد

نتیجه: اگر بخواهیم فاطمه و زهرا را با هم مقایسه کنیم می توانیم از وزن مذکر استفاده کنیم اما اگر بخواهیم فقط صفت بیاوریم و بگوئیم فاطمه ی بزرگتر یا زهرا ی کوچکتر در این صورت باید حتما از وزن اسم تفضیل مونث استفاده کنیم.

### مثال:

در این صورت حتما باید از وزن **فُعَلی** استفاده کنیم

فاطمه **الكبرى**: فاطمه ی بزرگتر

زهراء **الصغرى**: زهرا ی کوچکتر

اما به صورت زیر جایز نیست از وزن **أَفْعَل** استفاده کنیم.

فاطمه **الأكبر**/زهراء **الأصغر**

**نکته ۲:** گاهی وزن اسم تفضیل به این شکل می آید: **أَعْلَى**: والاطر **أَعْنَى**: بی نیازتر **أَحْلَى**: شیرین تر

باید این نوع کلمات را حفظ کرده و به آنها توجه داشته باشیم این کلمات بر وزن **أَفْعَل** بوده اند که تغییراتی در آنها بوجود آمده است.

همچنین گاهی وزن اسم تفضیل به شکل زیر می آید:

**أَحَبّ**: دوست داشتنی تر **أَقَلّ**: کمتر **أَضَلّ**: گمراه تر **أَعزّ**: عزیزتر

در واقع این کلمات یک حرفشان تکرار شده است و بعد دو حرف در هم ادغام و به صورت تشدید درآمدند پس در اصل بوده اند: **أَحَبَبَ، أَقَلَّلَ، أَضَلَّلَ، أَعَزَّزَ**

دقت کنیم ریشه و سه حرف اصلی آنها بوده است: **حَبَبَ/حَبَّ، قَلَّلَ/قَلَّ، ضَلَّلَ/ضَلَّ** و...

**نکته ۳:** هرگاه بخواهیم اسم تفضیلی را جمع ببندیم آن را بر وزن **أَفَاعِلِ** می بریم

### مثال:

- أكبر ← أكابر
- أحسن ← أحسن
- أفضل ← أفاضل
- أرذل ← أرذل

برای این کار حروف اصلی را زیر **ف ع ل** قرار می دهیم و بقیه حروف وزن را می نویسیم **مثال:**



- أفضل ← برتر
- أفاضل ← جمع ← برترها
- أكبر ← بزرگتر
- أكابر ← جمع ← بزرگترها

### ترجمه اسم تفضیل:

اسم تفضیل همان صفت "تر" و "ترین" فارسی است

اما چه موقع "تر" چه موقع "ترین" ترجمه کنیم؟ هر گاه بعد از اسم تفضیل حرف جر (من)

بیاید اسم تفضیل را "تر" ترجمه می کنیم.

## مثال

جَبَلٌ دَمَوْنِدٌ أَعْلَى مِنْ جَبَلِ دِنَا: کوه دماوند بلندتر از کوه دنا است

سورةُ البَقَرَةِ أَكْبَرُ مِنْ سورةِ آلِ عمران: سوره بقره از سوره آل عمران بزرگتر است

اما در صورتی که بعد از اسم تفضیل مِن نباشد و اسم تفضیل مُضَاف باشد و بعد از آن مُضَافِ الیه باشد اسم تفضیل "ترین" معنا می شود

## مثال:

سورةُ البَقَرَةِ أَكْبَرُ سورةِ فِي القرآن: سوره بقره بزرگترین سوره در قرآن است.

آسیا أَكْبَرُ قَارَةً فِي الْعَالَمِ: آسیا بزرگترین قاره در جهان است.

## از کجا تشخیص بدهیم اسم تفضیل مضاف است؟

اسم تفضیل ال و تنوین نباید داشته باشد و اسم بعد از آن مجرور بِ باشد. **مثال:**

أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ: برترین مردم سودمندترین آنها به مردم هستند.

مُضَاف      مُضَافِ إِلَيْهِ

نکته: قبلاً گفتیم اگر ضمائر متصل (ه،هما، هم،ها، هما، هن، ک، کما، ک، کم، کن، ی، نا) به اسم وصل شوند آن اسم مضاف و ضمیر مضاف الیه است پس در مثال بالا: أَنْفَعُهُمْ: أَنْفَعٌ، مضاف و هم مضاف الیه است لذا در ترجمه می گوئیم سودمندترین آنها.

**نکته ۴:** دو کلمه خیر و شر به معنای خوبی و بدی گاهی معنای اسم تفضیل دارند و به معنی خوبتر و خوبترین، بدتر و بدترین می دهند. دقت کنیم معمولاً بعد از کلمه **"خیر و شر"** حرف جر **"مِن"** بیاید و یا خیر و شر مضاف باشند و بعد از آنها مضاف الیه آمده باشد معنای اسم تفضیل می دهند و در واقع آنها را جز اسم تفضیل قرار می دهیم



## مثال:

تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً: ساعتی تفکر بهتر است از هفتاد سال عبادت.  
(بعد از خیر حرف جر(مِن) آمده است)

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ: لیلَةُ الْقَدْرِ بهتر است از هزار شب

یا در صورتی که خیر و شر مضاف باشند **مثل:**

حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ: بشتاب به سوی بهترین کارها. (خَيْرٍ: مضاف، الْعَمَلِ: مضاف الیه)

خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا: بهترین کارها میانه ترین آنهاست. (خَيْرٌ: مضاف، الْأُمُورِ: مضاف الیه)

## اسم مکان:

**تعریف اسم مکان:** همان طور که از اسم آن پیدا است اسم مکان اسمی است که بر مکانی دلالت می کند.

دقت کنیم هر فعلی که انجام می شود در مکانی اتفاق می افتد پس ما از ریشه هر فعلی می توانیم اسم مکان بسازیم.

## مثال:

مَدْرَسَةٌ: محلی که در آن درس می خوانیم (درس خواندن یک فعل است)

مَزْرَعَةٌ: محلی که در آن زراعت و کشاورزی انجام می شود (کشاورزی یک فعل است)

## طریقه ساختن اسم مکان:

برای ساختن اسم مکان ریشه سه حرفی **فعل** را بر وزن های زیر می بریم:

مَفْعَلٌ ..... صَنَعٌ = ساخت ..... مَصْنَعٌ = مکان ساختن (کارخانه)

مَفْعِلٌ ..... سَجَدَ = سجده کرد ..... مَسْجِدٌ = مکان سجده (مسجد)

مَفْعَلَةٌ ..... كَتَبَ = نوشت ..... مَكْتَبَةٌ = محل نوشتن (کتابخانه)



پس: کلماتی مانند: مَنْزِل (محل نزول/خانه)، مَلْعَب (محل بازی/ورزشگاه)، مَطْبَعَة (محل چاپ/چاپخانه) اسم مکان هستند.

### برای ساختن اسم مکان از کدام وزن استفاده کنیم؟

البته این طبق قانونی خاص است اما نیازی به بحث پیرامون آن نیست زیرا از شما نمی خواهند اسم مکان بسازید بلکه باید اسم مکان را در جملات پیدا کنید.

نتیجه: شما وزن های اسم مکان را حفظ کنید و در جمله هر کلمه ای که بر آن وزنها باشد مشخص کنید اسم مکان است.

### مثال:

عَيْن اسم المكان في العبارة

ذَلِكَ مَتَجَرٌ زَمِيلِي ← جواب = مَتَجَرٌ

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ ← جواب = مَشْرِقٌ، مَغْرِبٌ

هَذِهِ الْمَكْتَبَةُ أَكْبَرُ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ ← جواب = مَكْتَبَةٌ

نکته ۱: هرگاه بخواهیم اسم مکان را جمع ببندیم آن را بر وزن "مفاعِل" می بریم

### مثال:

مَنْزِل ← مَنَازِل      مَجْلِس ← مَجَالِس      مَفَاعِل ← مَنَازِل

## نکته کنکوری و تستی در این درس:

۱: رنگ هایی که بر وزن **أفعل** هستند اسم تفضیل نیستند **مانند:**

أخضر ← سبز      أبيض ← سفید      أسود ← سیاه

۲: دقت کنیم کلمه "**أخر**" اسم تفضیل است و به معنی **دیگر** اما معنی اسم تفضیل ندارد.

این کلمه در اصل "**أخر**" بوده است که دو حمزه تبدیل به **آ** شده اند و مونث آن **أخری (فعلی)** می باشد.

۳: **آخر** بر وزن "**فاعل**" و اسم فاعل است به معنی **پایان** و مونث آن "**آخرة**" است.